

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره یازدهم، زمستان ۱۴۰۱، ص ۲۱۴-۲۳۰

اثربخشی آموزش سبک والدگری بر مبنای پیشگیری از طرحواره های ناسازگار بر خودکارآمدی و سبک تربیتی مادران

هانیه خواجه پور گراکویی^۱

ابوالفضل فلاح تفتی^۲

چکیده

در بین تمامی نهادها، سازمانها و مؤسسات، خانواده مهم‌ترین، ارزشمندترین و اثربخش‌ترین نقش‌ها را داراست. نهاد خانواده به‌عنوان اولین کانون اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رشد فرزندان به‌ویژه رشد روانی آنهاست. طرحواره های ناسازگار اولیه در زمینه ی والدگری می تواند زمینه ساز شکل گیری سبک والدگری ناکارآمد و خودکارآمدی پایین والدینی شود. این پژوهش به بررسی اثربخشی آموزش سبک های والدگری بر پایه ی پیشگیری از طرحواره های ناسازگار اولیه بر خودکارآمدی و سبک تربیتی مادران دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر یزد پرداخته است. طرح پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با پیش آزمون، پس آزمون و گروه کنترل است. جامعه آماری این مطالعه را کلیه مادران دانش آموزان دختر دبستانی استان یزد در سال ۹۳-۹۴ تشکیل می دهند، با استفاده از نمونه گیری در دسترس، پس از ارزیابی اولیه ی ۲۵۰ نفر از مادران، تعداد ۲۴ نفر که نمره والدگری آن ها یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین در زیر مقیاس های مستبدانه و سهل گیرانه بود و نمرات پایینی در خودکارآمدی داشتند، انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۲ نفره جایگزین شدند. کلیه آزمودنی های دو گروه به گویه های پرسشنامه های والدگری بامریند و خودکارآمدی والدینی قبل و بعد از مداخله روی گروه آزمایش، پاسخ دادند و گروه کنترل هیچ مداخله ای دریافت نکرد. تحلیل داده ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که نمرات آزمودنی های گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل در خرده مقیاس های رضایت و کفایت والدین از متغیر خودکارآمدی و همچنین سبک های والدگری مقتدرانه به طور معناداری افزایش یافته است ($P < 0/05$). اما نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داد که نمرات آزمودنی های گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل در خرده مقیاس های سبک والدگری استبدادی و سهل گیر تاثیر معناداری نداشته است ($P > 0/05$). بنابراین نتایج این تحقیق نشان داد که آموزش سبک والدگری بر پایه ی پیشگیری از طرحواره های ناسازگار اولیه بر خودکارآمدی و سبک تربیتی مادران اثر بخش بوده است.

واژگان کلیدی: سبک‌های والدگری، خودکارآمدی، سبک‌های تربیتی مادران، طرحواره‌های ناسازگار

^۱ کارشناسی ارشد رشته روانشناسی مثبت نگر از دانشگاه آزاد یزد؛ آموزگار ابتدایی، معلم دبستان غیر دولتی بهشت؛ ایمیل:

HK.fallah97@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد مشاوره از دانشگاه آزاد یزد؛ آموزگار ابتدایی، معلم دبستان مبتکران؛ ایمیل:

Ab.counselor@gmail.com

مقدمه

خانواده بدون شک مهم‌ترین سازمانی است که بسترساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی انسان به تعادل (فیزیکی، روانی و اجتماعی) است (موسوی، ۱۳۸۳). همچنین خانواده‌ها نقشی حیاتی در رشد و یادگیری فرزندان‌شان دارند (میلدان و پولیمینی^۱، ۲۰۱۲). به عبارتی خانواده نخستین مرجعی است که شخصیت فرد در آن شکل می‌گیرد و نافذترین مرجع رسمی و اجتماعی برای تربیت است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۹). سبک والدگری یکی از ویژگی‌های والدین است و به‌عنوان مجموعه نگرش‌های والدین نسبت به فرزندان‌شان تعریف شده است. سبک تربیتی والدین فضای هیجانی را می‌سازد که در ارتباط با فرزندان به‌صورت روش‌های ویژه ابراز می‌شود (دارلینک و استینبرگ، ۱۹۹۳). این روش‌ها و رفتارهای به‌طور مجزا یا در تعامل یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارند. به‌طور کلی، پژوهشگران متعددی چهار شیوهی والدگری اساسی مبتنی بر دو شاخص اصلی یعنی محبت والدین (پاسخ‌دهی والدینی) و کنترل والدین (سخت‌گیری والدینی) را طرح‌ریزی کرده‌اند (شیفر^۲، ۲۰۰۳) و به چهار سبک استبدادی، مقتدرانه، سهل‌گیرانه و اغماض‌گر تقسیم کرده‌اند (بامریند، ۱۹۹۱ و نیلسن، ۲۰۱۲). در سبک والدگری مقتدرانه، والدین فرزندان را به استقلال تشویق می‌کنند، اما برای آن‌ها محدودیت‌هایی هم قائل می‌شوند و عملکرد آن‌ها را کنترل می‌کنند. این والدین هم در محور پاسخگویی و هم در محور توقع، نمرات بالایی دارند. بین میزان پاسخ‌دهی و میزان کنترل و توقع آن‌ها تعادل وجود دارد. آن‌ها قاطعیت دارند، ولی خواسته‌های خود را تحمیل نمی‌کنند، محدود کننده نیستند و استانداردهای روشنی را برای فرزندان‌شان تعیین می‌کنند (جان بزرگی و همکاران، ۱۳۹۳). سبک والدگری مستبدانه^۳، به‌عنوان محدودکننده و تنبیهی شناخته می‌شود (نیلسن، ۲۰۱۲). این سبک از نظر پذیرش، روابط نزدیک و استقلال دادن، پایین و از نظر کنترل اجباری، بالا است (دیاز، ۲۰۰۵). والدین با سبک والدگری سهل‌گیرانه^۴ روشی مهرورز و پذیرا را نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند، خودشان تصمیم‌گیری کنند حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (دیاز، ۲۰۰۵؛ نیلسن، ۲۰۱۲). بنابراین در والدگری سهل‌گیرانه، والدین برخلاف والدین سخت‌گیر بسیار پاسخ‌دهنده بوده و اجازه‌ی خودگردانی زیادی به کودکان می‌دهند و آن‌ها را ملزم به انجام رفتار رشد یافته نمی‌کنند (صیاد شیرازی، ۲۰۰۴). سبک‌های والدگری والدین و روش‌های انضباطی آنان بی‌تردید تحت تأثیر خصوصیات شخصیتی و سیستم‌های اعتقادی آنان است. والدین سالم و بالغ در مقایسه با والدین نابالغ و ناسالم، معمولاً با حساسیت و مهربانی بیشتری به نیازها و اشارات کودکان توجه می‌کنند و این نوع والدگری، امنیت عاطفی، استقلال، توانش اجتماعی و موفقیت هوشی کودکان را تشویق می‌کند (کولینس^۵، ۲۰۰۳). بنابراین شیوه‌های تربیتی والدین نقش مهمی در رشد و نمو روانی- اجتماعی نوجوانان، ارتباطات خانوادگی، موفقیت‌های تحصیلی، توانایی تصمیم‌گیری و اعتماد به نفس آنان ایفا می‌نماید (سید فاطمی و همکاران، ۲۰۱۰).

^۱ mildon;Polimeni^۲ Scheafer^۳ Authoritarian^۴ Permissive^۵ Grolnick

خودکارآمدی به معنای توانایی ادراک‌شده‌ی افراد در انطباق با موقعیت‌های مشخص است و به قضاوت افراد درباره‌ی توانایی آن‌ها در انجام دادن یک کار یا انطباق با یک موقعیت خاص مربوط است (بندورا، ۲۰۰۱، به نقل از حسینی و همکاران، ۱۳۹۲). در حقیقت خودکارآمدی یک نوع پیش‌بینی موفقیت بر اساس توانایی‌های فعلی است (فرایدل و همکاران، ۲۰۰۷). خودکارآمدی والدینی^۱ یک ساختار شناختی مهم در ارتباط با عملکرد والدین است. خودکارآمدی والدین به ارزیابی والدین نسبت به توانایی خود در ایفای نقش والدگری گفته می‌شود (کوهن^۲، ۲۰۰۶). به نظر می‌رسد که سبک‌های والدگری با باورهای خودکارآمدی آنان رابطه داشته باشد، (توزنده جانی و همکاران، ۱۳۹۰). خودکارآمدی والدین در واقع اعتقادات و توانایی آن‌ها در رشد و پرورش موفق کودکانشان است. خودکارآمدی والدینی به طور معنا داری پیش بینی کننده ی میزان بالای اشتیاق، سازگاری، اظهار صمیمیت در برقراری ارتباط با کودک است (تریسی و رونالد^۳، ۲۰۰۵). طبق طبقه بندی یانگ (۱۹۹۱) طرحواره های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون مایه های عمیق و فراگیری هستند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته، در مسیر زندگی تداوم دارند، درباره رابطه خود با دیگران بوده و به شکل ناکارآمد هستند. یانگ (۱۹۹۰-۱۹۹۹) معتقد است برخی از طرحواره های ناسازگار بویژه آن‌ها که عمدتاً در نتیجه تجارب ناگوار کودکی شکل می‌گیرند، ممکن است هسته ی اصلی اختلالات شخصیت قرار بگیرند. صابری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان دادند که برنامه ی آموزش گروهی والدگری موجب کاهش معنادار استرس والدینی در قلمرو والدین و قلمرو کودک شده است و بین گروه آزمایش و گواه در کاهش استرس والدینی تفاوت معناداری وجود دارد. دبیری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان نقش پیش بینی کننده سبک های والدگری و حرمت خود در شادکامی دانشجویان به این نتیجه رسیدند که سبک والدگری قاطع با حرمت خود و شادکامی رابطه مثبت معنادار دارد. بین سبک مستبدانه و شادکامی رابطه منفی معنادار یافت شد، همچنین آشکار شد که حرمت خود و سبک والدگری مقتدرانه به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین شادکامی دارند. میرزابیگی (۱۳۹۲) در تحقیقی نشان داد که آموزش فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ ایرانی بر روش های والدگری والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان تاثیر دارد. همچنین تلگن و ساندرز (۲۰۱۳) نشان دادند که برنامه ی فرزندپروری مثبت در سبک زندگی والدین، خودکارآمدی، رضایت مندی والدین، سازگاری والدین، روابط والدین و مراقبت از کودک موثر است. دیلی و ابرین (۲۰۱۳) طی مطالعه ای به این نتیجه دست یافتند که برنامه مداخلاتی والدین روی بهبود صلاحیت و سلامت روانی اثر مثبت داشت و باعث افزایش تعامل والد-کودک نیز شده است. مورواسکا^۴ و رامادوی (۲۰۱۴) نشان دادند برنامه آموزش فرزندپروری مثبت سبب کاهش چشمگیری در مشکلات رفتاری کودکان به طور پایدار می‌شود، همچنین به پیامدهای والدگری مثل کاهش سبک های والدگری آشفته، افزایش کارآمدی والدگری و کاهش استرس آنان می‌گردد. بنابراین با توجه به تاثیر خودکارآمدی پایین والدین بر روند پیشرفت کودکان، به نظر می‌رسد که تدارک یک برنامه ی آموزشی برای توانمند سازی والدین از اهمیت به سزایی برخوردار است. برنامه های تنظیم شده برای آموزش والدین از

^۱ Parental Self-Efficacy

^۲ Kuhn

^۳ Tracy & Ronald

^۴ Morawsk

طریق فراهم آوردن اطلاعات مناسب درباره شرایط کودک و نحوه ی رفتار با او، به والدین کمک می کند تا مشکلات رفتاری و یادگیری کودک خود را درک کرده و آن ها را به خوبی کنترل و مهار کنند (بريستول^۱، ۱۹۹۳). همچنین این برنامه ها می توانند موجب افزایش خودکارآمدی والدین شوند (وونگ^۲، ۲۰۰۶). در این راستا، این پژوهش درصدد است تا اثر بخشی آموزش سبک والدگری بر افزایش سطح خودکارآمدی والدین و سبک والدگری مادران را مورد ارزیابی قرار دهد.

۱- روش شناسی تحقیق

طرح این پژوهش نیمه آزمایشی به صورت پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل است. متغیر مستقل آموزش سبک والدگری بود، که به شیوه ی گروهی روی گروه آزمایش انجام شد و گروه کنترل هیچ گونه آموزشی داده نشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مادران دانش آموزان مدارس ابتدایی دخترانه شهر یزد در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ می‌باشند. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. در ابتدا پرسشنامه‌ها بین ۲۵۰ نفر از مادران یکی از مدارس ابتدایی داده شد و پس از جمع‌آوری نتایج، ۱۲ نفر از مادران در هر گروه انتخاب شدند. شرایط ورود به مطالعه شامل مونث بودن، مادر بودن، دارای سبک والدگری در مقیاس فرزند پروری بامریند، دارای سبک والدگری سخت گیر و سهل گیر در مقیاس فرزند پروری بامریند، حضور فیزیکی مادر در کنار فرزند، حضور پدر و مادر در کنار هم (تاهل) و دارای خودکارآمدی پایین با توجه به مقیاس صلاحیت والدینی (PSOC) و معیار خروج اعضا در پژوهش حاضر شامل عدم شرکت منظم در جلسات و غیبت بیش از ۲ جلسه بود. در این روش از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای به منظور گردآوری اطلاعات و بهره‌گیری از آن‌ها در پژوهش استفاده شده است. مقیاس خودکارآمدی والدینی یا صلاحیت والدینی (Parenting Sense of Competenc) یک پرسش‌نامه‌ی ۱۶ سؤالی است که احساس والدین را از والد بودن آن‌ها ارزیابی می‌کند و این‌که آیا به باور خود، توانایی‌های لازم را برای والد بودن دارند یا خیر. این مقیاس درای دو شاخص فرعی رضایت (۹ ماده) و کفایت (۷ ماده) می‌باشد. شیوه ی نمره‌گذاری نیز به روش لیکرت برحسب پاسخ‌های ۱ تا ۶ (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) انجام می‌شود. از حاصل جمع نمره‌های دو شاخص فرعی، نمره‌ی کلی مقیاس به دست می‌آید. جانستون و ماش^۳ آلفای همسانی درونی کل مقیاس را ۰/۷۹ و برای مقیاس‌های فرعی کفایت و رضایت به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۷۵ گزارش نمودند. خودکارآمدی والدینی از طریق سنجش عامل شایستگی یا کارآمدی (میزان مهارت و آگاهی والدین از فرزند پروری) و عامل رضایتمندی (میزان احساس ناکامی و انگیزه والدینی)، با پرسش‌نامه خودکارآمدی والدینی (PSOC) سنجیده شده است و جمع کل نمره‌ها بیانگر خودکارآمدی والدینی است که در دامنه‌ای از ۱۶ تا ۹۶ گسترده شده است. پرسشنامه سبک والدگری با مریند اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند، از سه الگوی آزاد گذاری، آمرانه و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های والدگری، ساخته شده است. این پرسشنامه

^۱ Bristol

^۲ Wong

Johnston & ^۳ Mash

دارای ۳۰ سؤال است که ۱۰ سؤال آن به شیوه آزاد گذاری مطلق، ۱۰ سؤال به شیوه آمرانه و ۱۰ سؤال دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدیم به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. در این پرسشنامه، مادران و پدران آزمودنی‌ها با مطالعه هر سؤال نظر خود را با علامت × و برحسب یک مقیاس پنج درجه‌ای (لیکرت) مشخص می‌کنند. این مقیاس از صفر تا ۴ نمره گذاری می‌شود و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزاد گذاری مطلق، آمرانه و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی، به دست می‌آید. این پرسشنامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و بینم (۱۳۷۹) مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری، اعتبار باز آزمایی این پرسشنامه را برای سهل گیرانه ۰/۶۹، برای آمرانه ۰/۷۷ و برای اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است. در پژوهش تنکابنی و بندچی (۱۳۷۹) نشان داده شد که اعتبار پرسشنامه ۰/۷۲ است و بنابراین، پرسشنامه از روایی پژوهشی لازم برخوردار است. مهارت‌های سبک والدگری (متغیر مستقل) در ۱۰ جلسه آموزش داده شده که در جلسه اول مقدمه و آشنایی با درس، جلسه دوم و سوم نیاز به محبت، جلسه چهارم و پنجم نیاز به اقتدار، جلسه ششم و هفتم نیاز به خطا کردن، جلسه هشتم نیاز به ابراز هیجانات، جلسه نهم نیاز به استقلال و در جلسه دهم جمع بندی مطالب شرح داده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

۲- یافته‌های پژوهش

توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت شناختی در جدول ۱ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در این پژوهش ۵ نفر از مادران گروه آزمایش در طبقه سنی ۲۵-۳۳ سال و ۶ نفر از مادران گروه گواه نیز در همین طبقه جای گرفته‌اند. در گروه آزمایش ۸ مادر دارای ۲ فرزند، ۳ مادر نیز تنها یک فرزند داشتند و تنها یکی از مادران داری سه فرزند بود. در گروه گواه نیز ۹ مادر دارای ۲ فرزند، ۲ مادر نیز تنها یک فرزند داشتند و تنها یکی از مادران داری سه فرزند بود. در گروه آزمایش ۵ نفر (۴۱٪/۷) دارای تحصیلات کارشناسی، ۵ نفر (۴۱٪/۷) دیپلم و ۲ نفر (۱۶٪/۷) نیز مدرک تحصیلی فوق دیپلم دارند. در گروه گواه ۶ نفر (۵۰٪) دارای تحصیلات کارشناسی، ۴ نفر (۳۳٪/۳) دیپلم و ۲ نفر (۱۶٪/۷) نیز مدرک تحصیلی فوق دیپلم دارند. در هر دو گروه آزمایش و گواه این پژوهش ۵ مادر (۴۱٪/۷) بین ۱۰-۵ سال، نفر (۴۱٪/۷) بین ۱۵-۱۱ سال و ۲ نفر (۱۶٪/۷) نیز بین ۲۰-۱۶ سال از ازدواج شان گذشته بود.

جدول ۱: توزیع فراوانی سن، تعداد فرزندان در خانواده، سطح تحصیلات و مدت ازدواج

گروه گواه		گروه آزمایش				متغییر	
درصد فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی		
۵۰	۵۰	۶	۴۱/۷	۴۱/۷	۵	۳۳-۲۵	طبقه سنی
۹۱/۷	۴۱/۷	۵	۸۳/۳	۴۱/۷	۵	۴۲-۳۴	
۱۰۰	۸/۳	۱	۱۰۰	۱۶/۷	۲	۵۰-۴۳	
	۱۰۰	۱۲		۱۰۰	۱۲	کل	

۱۶/۷	۱۶/۷	۲	۲۵/۰	۲۵/۰	۳	یک فرزند	تعداد فرزندان در خانواده
۹۱/۷	۷۵/۰	۹	۹۱/۱	۶۶/۷	۸	دو فرزند	
۱۰۰	۸/۳	۱	۱۰۰	۸/۳	۱	سه فرزند	
	۱۰۰	۱۲		۱۰۰	۱۲	کل	
۳۳/۳	۳۳/۳	۴	۴۱/۷	۴۱/۷	۵	دیپلم	سطح تحصیلات
۵۰/۰	۱۶/۷	۲	۵۸/۳	۱۶/۷	۲	فوق دیپلم	
۱۰۰	۵۰/۰	۶	۱۰۰	۴۱/۷	۵	کارشناسی	
	۱۰۰	۱۲		۱۰۰	۱۲	کل	
۴۱/۷	۴۱/۷	۵	۴۱/۷	۴۱/۷	۵	۱۰-۵ سال	مدت ازدواج
۸۳/۳	۴۱/۷	۵	۸۳/۳	۴۱/۷	۵	۱۵-۱۱ سال	
۱۰۰	۱۶/۷	۲	۱۰۰	۱۶/۷	۲	۲۰-۱۶ سال	
	۱۰۰	۱۲		۱۰۰	۱۲	کل	

در جدول (۲) میانگین، انحراف استاندارد متغیر خودکارآمدی والدینی همراه با دو مولفه آن (رضایت و کفایت والدین) و متغیر سبک‌های والدگری (سهل‌گیر، سلطه‌جو و مقتدر) در دو گروه آزمایش و گواه در سه جلسه پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری آورده شده است. در گروه آزمایش میانگین خودکارآمدی در جلسه پس آزمون (۵۳/۲) بالاترین میانگین را دارا بود. بالاترین میانگین رضایت مادران نیز متعلق به گروه آزمایش در جلسه پس آزمون (۳۳/۱۲) بوده است. میانگین کفایت مادران نیز در گروه آزمایش در جلسه پس آزمون (۲۱/۱) بوده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد متغیر خودکارآمدی والدین و مولفه‌های آن و متغیر سبک‌های والدگری در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری

متغیر		گروه	میانگین ن پیش آزمون	انحراف استادار د پیش آزمون	میانگین ن پس آزمون	انحراف استادار د پس آزمون	میانگین ن پیگیری	انحراف استادار د پیگیری
مولفه‌های خودکارآمدی والدین	خودکارآمدی	آزمایش	۴۹/۷	۲/۸	۵۳/۲	۳/۱	۴۹/۸	۳/۶
	رضایت مادران	گواه	۴۳/۹	۲/۰۱	۴۳/۸	۷/۷	۴۱/۵۱	۸/۲
		آزمایش	۳۰/۵	۱/۹	۳۳/۱۲	۳/۶	۳۰/۰۹	۵/۳

۶/۰۱	۲۱	۵/۸	۲۲	۲/۰۳	۲۲/۶	گواه	کفایت مادران	سبک‌های والدگری
۲/۷	۱۹/۳۰	۲/۶	۲۱/۱	.۸	۱۸/۶	آزمای ش		
۳/۹	۱۹/۵	۳/۶	۲۰	.۷	۲۰/۲	گواه		
۳/۱	۱۵/۴	۳/۳۲۵	۱۵/۶	.۶	۱۵/۵	آزمای ش	سبک سهل‌گیر	
۳/۹	۱۸/۵	۳/۹۶۵	۱۹/۳	۱/۴	۱۹/۲	گواه	سبک سلطه‌جو	
۴/۲	۱۴/۳	۴/۵۶۹	۱۵/۳	۱/۴	۱۵/۲	آزمای ش		
۵/۷	۱۶/۳	۶/۵۱۵	۱۶/۹	۱/۵	۱۷	گواه		
۴/۲	۳۴/۷	۴/۵۶۹	۳۳/۷	۱/۹	۲۵/۵	آزمای ش	سبک مقتدر	
۶/۴	۲۵/۲	۷/۷۱۴	۲۷/۶	۱/۷	۲۶/۸	گواه		

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که آموزش سبک والدگری بر نمره‌های پس‌آزمون خودکارآمدی، رضایت والدین و کفایت والدین به لحاظ آماری تاثیر معناداری داشته است ($P < 0/05$). نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس سبک والدگری و سبک والدگری سهل‌گیر در پیش‌آزمون-پس‌آزمون در جدول (۳) نشان می‌دهد که آموزش سبک والدگری بر نمره‌های پس‌آزمون سبک والدگری سهل‌گیر تاثیر معناداری نداشته است و مداخله پس از حذف اثر پیش‌آزمون، تاثیر معناداری بر نمرات پس‌آزمون نداشته است ($P > 0/05$). آموزش سبک والدگری بر نمره‌های پس‌آزمون سبک والدگری مقتدر تاثیر معناداری داشته است ($P < 0/05$) و ۵۲ درصد از تغییرات واریانس نمرات پس‌آزمون والدگری مقتدرانه به جلسات آموزشی مربوط است. آموزش سبک والدگری بر نمره‌های پس‌آزمون سبک والدگری استبدادی تاثیر معناداری نداشته است و مداخله پس از حذف اثر پیش‌آزمون، تاثیر معناداری بر نمرات پس‌آزمون نداشته است ($P > 0/05$). در واقع این‌گونه می‌توان بیان کرد که آموزش سبک والدگری بر سبک والدگری استبدادی در پس‌آزمون اثربخش نبوده است.

جدول ۳: نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس آموزش سبک والدگری بر خودکارآمدی، رضایت، کفایت مادران، سبک والدگری سهل‌گیر، مقتدر، استبدادی در پیش‌آزمون-پس‌آزمون

متغیر	منبع	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	مجذور اتای سهمی	F	Sig.
پس‌آزمون		۷۸۰/۰۷۴	۱	۷۸۰/۰۷۴	۰/۸۵۱	۱۱۹/۴۹۲	۰/۰۰۰
اثر اصلی		۰/۲۳۴	۱	۰/۱۷	۰/۲۲	۰/۰۱	۰/۰۴

						آموزش	خودکارآمدی
			۶/۵۲۸	۲۱	۱۳۷/۰۹۳	خطای باقیمانده	
۰/۰۰۰	۱۵۶/۹۹۲	۰/۸۸۲	۸۳۲/۹۱۸	۱	۸۳۲/۹۱۸	پس آزمون	رضایت مادران
۰/۰۰	۴۳/۲	۰/۱۹	۱۲۴/۱۶	۱	۶۸/۸۹۵	اثر اصلی آموزش	
			۵/۳۰۵	۲۱	۱۱۱/۴۱۵	خطای باقیمانده	
۱	۰/۰۰۰	۲۱/۵	۰/۶۰۰	۱۸۱/۱۸۶	۱	پس آزمون	کفایت مادران
۱	۰/۰۲	۴۴/۱	۰/۲۰	۴۱۳/۴	۱	اثر اصلی آموزش	
۲۱				۵/۲	۲۱	خطای باقیمانده	
۱	۰/۰۰۰	۵۹۰/۲	۰/۹۵	۲۳۱/۴	۱	پس آزمون	سبک والدگری سهل‌گیر
۱	۰/۲۳	۱/۱	۰/۱۱	۱۷/۴	۱	اثر اصلی آموزش	
۲۱				۴/۲۱۱	۲۱	خطای باقیمانده	
۱	۰/۰۰۰	۱۸/۴۱	۰/۳۲۱	۵۳۱/۳۴	۱	پس آزمون	سبک والدگری مقتدر
۱	۰/۰۰۰	۲۴/۲	۰/۵۲	۲۳۲۴/۴	۱	اثر اصلی آموزش	
۲۱				۴۲۲/۱	۲۱	خطای باقیمانده	
۱	۰/۰۰۰	۸۷۱۲/۶	۰/۹۹	۶۶۱/۳	۱	پس آزمون	سبک والدگری استبدادی
۱	۰/۰۹	۴/۲	۰/۱۶	۰/۳۲	۱	اثر اصلی آموزش	
۲۱				۰/۰۷	۲۱	خطای باقیمانده	

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که آموزش سبک والدگری بر نمره‌های پیگیری خودکارآمدی مادران، رضایت والدین، پیگیری کفایت والدین، سبک والدگری سهل‌گیر و سبک والدگری استبدادی تاثیر معناداری نداشته است ($P > 0/05$) و مداخله پس از حذف اثر پیش آزمون، تاثیر معناداری بر نمرات پیگیری نداشته است. در واقع این‌گونه می‌توان بیان کرد که آموزش سبک والدگری بر کفایت والدین از عملکردشان و بر سبک والدگری

استبدادی در پیگیری اثربخش نبوده است. همچنین آموزش سبک والدگری بر نمره‌های پیگیری سبک والدگری مقتدر تاثیر معناداری داشته است و مداخله پس از حذف اثر پیش آزمون، تاثیر معناداری بر نمرات داشته است ($P < 0/05$). و مطابق با یافته های جدول ؟، میزان این تاثیر، ۵۶ درصد است.

جدول ۴: نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس آموزش سبک والدگری بر خودکارآمدی، رضایت، کفایت مادران، سبک والدگری سهل گیر، مقتدر، استبدادی در پیش آزمون - پیگیری

متغیر	منبع	df	میانگین مجذورات	مجذورات انای سهمی	F	Sig.
خودکارآمدی	پیگیری	۱	۸۵۲/۷۲	۰/۹۱۹	۲۳۷/۶۸۴	۰/۰۰۰
	اثر اصلی آموزش بر پیگیری	۱	۲۰/۷	۰/۱۰۵	۲/۴	۰/۱۳
	خطای باقیمانده	۲۱	۳/۵۴۶			
رضایت مادران	پیگیری	۱	۷۶۲/۸	۰/۷۸	۸۲/۰۲۸	۰/۰۰۰
	اثر اصلی آموزش بر پیگیری	۱	۰/۱۲۴	۰/۰۰۱	۰/۰۲۱	۰/۸
	خطای باقیمانده	۲۱	۹/۲			
کفایت مادران	پیگیری	۱	۲۴۶/۶۱	۰/۶۵	۵۹/۳	۰/۰۰۰
	اثر اصلی آموزش بر پیگیری	۱	۴۴/۱۲	۰/۳۴۴	۱۱/۳	۰/۴
	خطای باقیمانده	۲۱	۳/۳۲			
سبک والدگری سهل گیر	پیگیری	۱	۲۶۱/۷	۰/۸۹۷	۶۶۵/۶	۰/۰۰۰
	اثر اصلی آموزش بر پیگیری	۱	۳/۱	۰/۲	۵/۵۸۴	۰/۳
	خطای باقیمانده	۲۱	۰/۵۴۱			
سبک والدگری مقتدر	پیگیری	۱	۴۱۳/۸	۰/۴۴۲	۱۴/۹	۰/۰۰۱
	اثر اصلی آموزش بر پیگیری	۱	۲۰۵۵/۱	۰/۵۶	۷۳/۱۱	۰/۰۰۰
	خطای باقیمانده	۲۱	۱۸/۲۲			
سبک والدگری استبدادی	پیگیری	۱	۷۰۱/۲۳	۰/۸۵	۷۶۱/۵	۰/۰۰۰
	اثر اصلی آموزش بر پیگیری	۱	۰/۵۸۰	۰/۰۲	۰/۷۰۱	۰/۳۲
	خطای باقیمانده	۲۱	۱۷/۳۳			

۳- بحث و نتیجه گیری

همانطور که تحقیقات مختلف به آن دست پیدا کرده اند، وجود مشکلات رفتاری در کودکان پیش بینی کننده ی مهمی در خودکارآمدی والدینی مادران به شمار رفته (طهماسیان و همکاران، ۲۰۱۱) و باعث می شود تا والدین به ویژه مادران، انتظارات و ادراک خود از اینکه تا چه حد می توانند به عنوان یک والد به گونه ای شایسته و موثر عمل کنند و همچنین تا چه اندازه قادرند تاثیر مثبت بر رفتار و رشد و سازگاری فرزندشان بگذارند، احساس خودکارآمدی پایینی داشته باشند (ویور و همکاران، ۲۰۰۸). احساس خودکارآمدی ضعیف در والدین به سبک والدگری بی ثبات و غیر مقتدر منجر می گردد که بر اساس شواهد متعدد این عوامل به پیامدهای ضعیف در مورد کودکان می انجامد (کاستین^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). از آنجایی که خودکارآمدی والدینی بین ویژگی های خانواده و کودک نقش میانجی را ایفا می کند، می توان گفت بررسی تغییرهای خودکارآمدی والدینی و تقویت آن از طریق برنامه آموزش والدین، می تواند به عنوان یکی از جنبه های مهم و اساسی و قابل مطالعه در مداخله زودهنگام ضروری باشد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش سبک های والدگری بر پایه ی پیشگیری از طرحواره های ناسازگار اولیه بر خودکارآمدی و سبک تربیتی مادران انجام شد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که آموزش سبک والدگری بر نمره های پس آزمون خودکارآمدی مادران به لحاظ آماری تاثیر معناداری داشته است و ۲۲ درصد از تغییر نمرات خودکارآمدی در پس آزمون به متغیر مستقل مربوط است. در واقع مداخله ی این پژوهش توانسته است از طریق ایجاد آگاهی در شیوه های والدگری به مادران و همچنین آموزش روش های تعامل موثر والد-فرزند به مادران از جمله آموزش محبت های کلامی و لمسی، همدلی و درک فرزند، معارت های گوش دادن فعال، اختصاص زمان کافی به فرزند، توجه به کرامت و عزت نفس فرزندان سطح خودکارآمدی مادران را در پس آزمون افزایش دهد.

نتایج این پژوهش با یافته های طالعی و همکاران (۱۳۹۰) همسو می باشد. آنها در پژوهش خود، اثر بخشی آموزش والدگری بر خود اثر مندی والدینی مادران را نشان دادند و نتایج نشان داد که میانگین نمرات در دو گروه آزمایش و گواه بعد از برنامه آموزش والدگری مثبت دارای تفاوت معناداری در سطح $p < 5\%$ است و در واقع مداخله توانسته بود از طریق تقویت رفتارهای مثبت کودکان به وسیله مادر، الگوسازی والدگری مناسب، تلفیق دانش و توانایی مادران، ایجاد تعاملات موثر والد-کودک و فراهم آوردن حمایت اجتماعی، سطح خود اثر مندی والدینی مادران را ارتقا بخشد. خودکارآمدی والدینی در تعامل والدین و فرزندان اهمیت بالایی دارند و می تواند بر شخصیت کودک و والدین تاثیر گذار است (دلفت، ۲۰۱۲). زیرا والدینی که خودکارآمدی پایین تری دارند ممکن است در فرزندپروری دچار نزاع و درگیری شوند و نتایج نا مطلوبی را در کودک تجربه کنند که به کاهش بیشتری در خودکارآمدی والدینی منتهی شود (جونز و پرینز، ۲۰۰۵). همچنین نتایج تحقیق کنونی نشان داد که آموزش سبک والدگری بر نمره های پیگیری خودکارآمدی مادران تاثیر معناداری نداشته است. از آنجا که خودکارآمدی والدینی تحت تاثیر حمایت های اجتماعی موجود در جامعه قرار می گیرد (کین و همکاران، ۲۰۱۰) بنابراین به نظر می رسد که نبود امکانات کافی و عدم حمایت

^۱. Costin

های اجتماعی در ایران یکی از عوامل موثر بر عدم افزایش معنی دار خودکارآمدی والدین در پیگیری بوده است. همچنین فشردگی جلسات آموزشی به علت برنامه های سال تحصیلی و امتحانات دانش آموزان و محدودیت زمانی برنامه ی مورد نظر باعث شد که والدین حمایت کمتری را دریافت کنند. کین و همکاران نشان دادند که افزایش خودکارآمدی والدین به حمایتی که والدین از این برنامه ها دریافت می کنند، بستگی دارد و آنها نشان دادند والدینی که حمایت بیشتری را دریافت کرده بودند، خودکارآمدی بیشتری را گزارش دادند. از سوی دیگر، عدم افزایش معنی دار خودکارآمدی والدینی را می توان براساس محتوای سوالات پرسشنامه ی احساس صلاحیت والدینی تبیین نمود. این پرسشنامه، احساس کلی خودکارآمدی والدینی را در نقش والدگری می سنجد و خودکارآمدی والدین را در زمینه مدیریت مشکلات کودک مورد بررسی قرار نمی دهد (سرابی جماب و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین از آنجایی که پدران به علت مشغولیت در ساعات اجرای این برنامه موفق نبودند در این آموزش ها شرکت کنند، به نظر می رسد که نتوانسته اند با مادر تعامل موثر و هماهنگی در زمینه ی والدگری و تربیت فرزند برقرار کرده و در نقش والدگری خود اثر بخش باشند. نتایج این پژوهش با مطالعات سرابی جماب و همکاران (۱۳۹۰) نشان دهنده ی این است که آموزش والدین و پروراندن مهارت ها بر افزایش خودکارآمدی والدینی موثر نبوده است، همسو می باشد. این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. بدین منظور ۲۱ نفر از مادران کودکان ۳ تا ۷ ساله ی مبتلا به در خودماندگی به شیوه ی نمونه گیری در دسترس انتخاب شده و به تصادف در گروه آزمون و گواه قرار گرفتند و گروه آزمون به مدت ۱۱ جلسه تحت آموزش قرار گرفتند. همچنین با پژوهش های مگ اینتایر و لوین (۱۹۹۱) و مارتینو نانتیان (۱۹۹۳)، به نقل از زمانی، (۱۳۸۵) می توان دریافت که خودکارآمدی و آموزش روابط والد- فرزندی اثر متقابل بر هم دارند. یعنی همان طور که آموزش روابط والد- فرزند باعث افزایش خودکارآمدی می شود، خودکارآمدی نیز می تواند عاملی برای پیش بینی میزان اثر آموزش روابط - فرزندی می باشد.

نتایج تحقیق کنونی نشان داد که آموزش سبک والدگری بر نمره های پس آزمون رضایت مادران تاثیر معناداری داشته است. یافته های این پژوهش با مطالعه ی اسپیکر^۱ و همکاران (۲۰۱۰) همسو بوده است. آنها به این نتیجه دست یافتند که برنامه ی فرزندپروری در ارتقای رضایت و کارآمدی و صلاحیت والدین، همچنین کاهش مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان اثربخش بوده است. به نظر می رسد افزایش سطح آگاهی والدین و تبیین ویژگی های والدین کمالگرا سبب شد تا مادران نگاه متعادل و واقع بینانه تری در والدگری خود نشان دهند و توقعات و سخت گیری های بیجا را والدگری موثر و موفق ندادند و در نتیجه سطح رضایت مندی آنها از والدگری خود افزایش یابد. پژوهش ها حاکی از این است که گرایش شدید کمال گرایانه با سطوح پایین خودکارآمدی در ارتباط است (هیویت و فلت، ۱۹۹۱).

نتایج پژوهش کنونی نشان می دهد که آموزش سبک والدگری بر رضایت مادران بر نمره های پیگیری تاثیر معناداری نداشته است و مداخله پس از حذف اثر پیش آزمون، تاثیر معناداری بر نمرات پیگیری نداشته است ($P > 0/05$). یافته های این پژوهش با تحقیق زنگ^۲ و همکاران (۲۰۰۹) در زمینه تاثیر آموزش

^۱ Spijkers

^۲ Zhong

والدگری بر خودکارآمدی والدین، به این نتیجه رسیدند که از طریق آموزش مادران می توان، باعث افزایش نقش خودکارآمدی مادر و در نتیجه احساس سلامت آنان شد که این خود باعث کاهش تنیدگی می گردد، بنابراین با یافته ی این پژوهش ناهمسو می باشد. به نظر می رسد که عدم افزایش رضایت والدین در پیگیری و بازگشت به شیوه ی تربیتی گذشته، ناشی از عدم هماهنگی و همکاری والدین در به کارگیری موارد آموزش ارائه شده در بهبود تعاملات والد-فرزند است.

نتایج پژوهش کنونی نشان می دهد که آموزش سبک والدگری بر نمره های پس آزمون کفایت مادران تاثیر معناداری داشته است و مداخله پس از حذف اثر پیش آزمون، تاثیر معناداری بر نمرات پس آزمون داشته است. به نظر می رسد که بیان نمودن ویژگی سبک های والدگری مستبدانه و سهلگیرانه و تاثیرات منفی آن در آینده ی تحصیلی، خانوادگی و غیره فرزندان و همچنین آموزش سبک والدگری مقتدر به مادران، سبب بهتر شدن مهارت های والدگری و افزایش رضایت و کفایت مادران شده است. نتایج این پژوهش با بررسی محرری و همکاران (۱۳۹۱) همسو بوده است، نتایج گویای آن هست که به کارگیری روش های تربیت سازنده در والدین، باعث بهبود مهارت های فرزند پروری، رضایت و کفایت والدین در تربیت فرزند، کاهش اختلاف نظرهای والدین، کاهش مشکلات مربوط به تربیت فرزند و کاهش افسردگی، اضطراب و فشار روانی والدین می شود.

همچنین نتایج نشان داد که آموزش سبک والدگری بر نمره های پیگیری کفایت مادران تاثیر معناداری نداشته است. در واقع این گونه می توان بیان کرد که آموزش سبک والدگری بر کفایت مادران از عملکردشان در پیگیری اثربخش نبوده است. بنابراین اختلاف عقیده ی والدین، مشکلات و چالش های پیش رو در تربیت فرزند، عدم عزت نفس مادران در به کارگیری شیوه های تربیتی موثر و نتایج مطلوب حاصل از به کارگیری این آموزش ها و غیره را می توان از عوامل این یافته نام برد. استبرگ^۱ و همکارش (۲۰۰۲)، نیز معتقدند آموزش باعث افزایش احساس رضایت و صلاحیت مادران جهت کنترل و تسلط بر رفتار خود و فرزندانشان شده و تنیدگی روابط والد - کودک را کاهش می دهد، بنابراین با یافته ی این پژوهش همسو می باشد.

نتایج نشان داد که آموزش سبک والدگری بر نمره های پس آزمون سبک والدگری سهل گیر تاثیر معناداری نداشته است و مداخله پس از حذف اثر پیش آزمون، تاثیر معناداری بر نمرات پس آزمون نداشته است. این بررسی با یافته های پژوهش پوراحمدی و همکاران (۱۳۸۸) که نشان داد شیوه ی فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه مادران دارای کودک مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای پس از پایان جلسات آموزش برنامه فرزندپروری کاهش یافته، ناهمسو می باشد. همچنین نتایج نشان داد که مادران از ابتدا خیلی سهل گیر نبوده اند به عبارتی سبک سهل گیر آنها خیلی بالا نبوده است. همچنین با توجه به اینکه تمرکز اصلی این پژوهش روی آموزش والدگری مقتدر و سازنده می باشد، می توان انتظار داشت که آموزش ما تاثیر معناداری بر روی سبک والدگری سهل گیر نداشته است.

همچنین نتایج نشان داد که آموزش سبک والدگری بر نمره های پس آزمون سبک والدگری مقتدر تاثیر معناداری داشته است.. در واقع این گونه می توان بیان کرد که آموزش سبک والدگری بر سبک والدگری مقتدر در

^۱ Ostberg

پس آزمون اثربخش بوده است. یافته های این پژوهش نشان دهنده ی این است که آموزش اقتدار و قانونمندی، جلوگیری از سخت گیری های افراطی، دادن اعتماد به نفس و استقلال به فرزندان، محبت کردن و امنیت دادن و پاسخ های سازنده در مقابل بد رفتاری نشان دادن و غیره سبب شده که والدین این فرصت را برای فرزندانشان فراهم کنند تا یاد بگیرند که از عهده ی مسائل و چالش ها بر بیایند و در شیوه تربیتی خود متناسب با آموزش های داده شده تغییراتی را نشان دهند. نتایج حاصل از این بررسی با یافته های مورواسکا و رامادوی (۲۰۱۴) که نشان دادند برنامه آموزش فرزندپروری مثبت سبب کاهش چشمگیری در مشکلات رفتاری کودکان به طور پایدار می شود، همچنین به پیامدهای والدگری مثل کاهش سبک های والدگری آشفته، افزایش کارآمدی والدگری و کاهش استرس آنان می گردد، همسو می باشد. همچنین با یافته های رشیدی نژاد و همکاران (۲۰۱۲)، هویراست و همکاران (۲۰۱۰) که در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند، برنامه های مداخله ای که به آموزش والدین می پردازد، در بهبود بخشی سبک های ارتباطی و عاطفی والدین با فرزندان موثر است، همسو می باشد. مطالعات شکوهی یکتا و پرند (۱۳۸۷) نیز نشان دهنده ی این است که آموزش والدین می تواند به تغییر روش تربیتی والدین و بهبود مشکلات رفتاری فرزندان بینجامد. همچنین نتایج این بررسی با یافته های پژوهش پوراحمدی و همکاران (۱۳۸۸) که نشان داد شیوه فرزند پروری مقتدرانه در مادران دارای کودک مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای پس از پایان جلسات آموزش برنامه فرزندپروری، افزایش یافته است، همسو می باشد.

نتایج نشان داد که آموزش سبک والدگری بر نمره های پس آزمون سبک والدگری استبدادی تاثیر معناداری نداشته است. در واقع این گونه می توان بیان کرد که آموزش سبک والدگری بر سبک والدگری استبدادی در پس آزمون اثربخش نبوده است. نتایج این یافته با بررسی های زوبریک (۲۰۰۱) که یکی از بزرگترین مطالعات را بر روی ۷۱۸ والد کودکان پیش دبستانی انجام داد، ناهمسو می باشد. نتیجه پس از دو سال پیگیری، نشان داد که شرکت والدین در «برنامه فرزند پروری مثبت» تغییرات چشمگیری در اختلال رفتاری کودکان و سبک والدگری مستبدانه والدین نسبت به گروه گواه به وجود آورده است (نقل از ساندرز، ۲۰۰۵). با توجه به اینکه تمرکز اصلی این پژوهش روی آموزش والدگری مقتدر و سازنده می باشد، می توان انتظار داشت که آموزش ما تاثیر معناداری بر روی سبک والدگری سهل گیر نداشته است.

منابع و مأخذ

- ۱) پورا احمدی، الناز؛ جلالی، محسن؛ شعیری، محمدرضا؛ طهماسیان، کارینه؛ (۱۳۸۸). بررسی اثر کوتاه مدت آموزش فرزند پروری مثبت بر تغییر شیوه های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای. سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۸.
- ۲) توزنده جانی، حسن؛ توکلی زاده، جهانشیر؛ لگزیان، زهرا (۱۳۹۰). فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد، دوره ۱۷: شماره ۲.
- ۳) حسینی دولت آبادی، فاطمه؛ سعادت، سجاد و قاسمی، رضا (۱۳۹۲). رابطه ی بین سبک فرزند پروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش آموزان دبیرستانی، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، شماره دوم.
- ۴) جان بزرگی، مسعود، نوری، ناهید و آگاه هریس، مژگان. (۱۳۹۳). آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون پذیری به کودکان. نشر ارجمند، تهران.
- ۵) دبیری، سولماز؛ دلاور، علی و صرامی، غلامرضا. (۱۳۹۰). نقش پیش کننده سبک های فرزند پروری و حرمت خود در شادکامی دانشجویان. فصلنامه روان شناسی تربیتی، ۷(۲۰)، ۱۶-۱.
- ۶) رشیدی نژاد، حدیث؛ تبریزی، مصطفی؛ شفیق آبادی (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش گروهی والدین با رویکرد خانواده درمانی ستیر بر جو عاطفی خانواده. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال سیزدهم، شماره ۳. ۹-۱.
- ۷) زمانی فاطمه، ۱۳۸۵. تاثیر مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری - اجتماعی کرامبولتز بر رفتار تجارب خانگی در زنان شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، مشاوره شغلی؛ دانشگاه اصفهان.
- ۸) شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم. (۱۳۸۷). سبک فرزند پروری والدین و رابطه آم با ویژگی های رفتاری و پیشرفت تحصیلی فرزندان. فصلنامه مطالعات جوانان. ۱۴ و ۱۵. ۶-۲۰.
- ۹) صابری، جواد؛ بهرامی پور، منصوره؛ قمرانی، امیر؛ یارمحمدیان، احمد (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش برنامه گروهی فرزندپروری مثبت بر کاهش استرس والدگری مادران کودکان مبتلا به اختلال اوتیسم. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال پانزدهم، شماره ۲، صص ۶۹-۷۷.
- ۱۰) طهماسیان، کارینه؛ اناری، آسیه؛ فتح آبادی، محبوبه (۱۳۸۹). عوامل موثر در خود اثرمندی والدینی مادران کودکان ۶-۲ ساله. فصلنامه خانواده پژوهی، سال ششم، شماره ۲۴.
- ۱۱) گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۸۹). خانواده درمانی. ترجمه حمید رضا حسین شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند، چاپ دهم، نشر روان، (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۳۴) تهران.
- ۱۲) موسوی، اشرف السادات. (۱۳۸۳). خانواده درمانی کاربردی. تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء (س)، چاپ دوم، ۱۳-۱۸.

- ۱۳) میرزابیگی، حسنعلی. (۱۳۹۲). اثر بخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ ایرانی بر روش های فرزندپروری والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان. توسعه ی آموزش جندی شاپور دو فصلنامه ی مرکز مطالعات و توسعه ی آموزش علوم پزشکی سال چهارم، شماره ی ۱.
- ۱۴) محرری، فاطمه؛ سلطان فر، عاطفه؛ مخیر، نغمه؛ پسندیده، محسن؛ صمدی، رویا؛ سلطانی فر، آزاده. (۱۳۹۱). مقایسه تاثیر متیل فنیدیت و بوپروپیون در درمان کودکان مبتلا به اختلال بیش فعالی، کم توجهی. مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، دوره ۱۹/ شماره ۳.
- ۱۵) یانگ، جفری (۱۹۹۹). شناخت درمانی اختلالات شخصیت: رویکرد متمرکز بر طرحواره ه ترجمه علی صاحبی و حسن حمیدپور (۱۳۸۹) چاپ چهارم، تهران: انتشارات ارجمند.

منابع لاتین

- ۱۶) Baumride, d. (۱۹۹۱). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, ۱۱, ۵۶-۹۵.
- ۱۷) Bristol M, Gallager J, Holt K. Maternal depressive symptoms in autism: R response to psychoeducational psychoeducational intervention. *Rehabil Psychol* ۱۹۹۳ □ ۳۸(۱): ۳-۱۰.
- ۱۸) Costin Y, Lichte C, Hill-Smith A, Vance A, Luk E. Parent group treatments for children with oppositional defiant disorder. *Australian E-Journal for the Advancement of Mental Health* ۲۰۰۴; ۳(۱). [Cited ۲۰۱۲ Feb].
- ۱۹) Daley, D; O'Brien, M. (۲۰۱۳). A small-scale randomized controlled trial of the self-help version of the New Forest Parent Training Programme for children with ADHD symptoms. *European Child & Adolescent Psychiatry*, Online ISSN, ۱۴۳۵-۱۶۵X.
- ۲۰) Darling, N. & Steinberg, L. (۱۹۹۳). Parenting styl as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, ۱۱۳ (۳), ۴۸۷-۴۹۵.
- ۲۱) Delft.S.V. (۲۰۱۲). Relationships between parsental self-efficacy, parent training ,hnstructional practices., and models of parent -professional interaction. The university of british Columbia (Vancouver).
- ۲۲) Diaz, J. A. (۲۰۰۵). Exploring the relationship between parenting styles and juvenile delinquency. A thesis submitted to the faculty of Miami university.
- ۲۳) Friedel, J. M., Cortina, K. S., Turner, J. C., & Midgley, C. (۲۰۰۷) Achievement goals, efficacy beliefs and coping strategies in mathematics: The roles of perceived parent and teacher goal emphases. *Contemporary Educational Psychology*, ۳۲, ۴۳۴-۴۵۸.
- ۲۴) Grolnick, W.S. (۲۰۰۳). The psychology of parental control :haw well-meant parenting backfires. hillsdale ,NJ: Erlbaum.
- ۲۵) Jones TL, Prinz RJ. Potential roles of parental self-efficacy in parent and child adjustment: a review *Clin Psychol Rew.* (۲۰۰۵) May; ۲۵(۳): ۳۴۱-۶۳.

- ۲۶) Kuhn J, Carter A. Maternal self-efficacy and associated parenting cognitions among mothers of children with autism. *Am J Orthopsychiatry* ۲۰۰۶; ۷۶(۴): ۵۶۴-۷۵.
- ۲۷) Morawska, A. & Ramadewi, M, & Sanders, M. (۲۰۱۴). Using Epidemiological survey Data of Examine factors in fluencing participation in paxent-Training programs available.
- ۲۸) Mildon, R. & Polimeni, M. (۲۰۱۲). Parenting in the early years: effectiveness of parenting support Mildon, R. programs for Indigenous families. *Closing the Gap Clearinghouse*, ۱۶.
- ۲۹) Nielsen. (۲۰۱۲). Is .there a relation between mother's parenting styles and children's trait emotional intelligence? *Electronic Journal of Research in Educational Psychology*, ۱۰(۱), ۵-۳۴.
- ۳۰) Ostberg M, Hagekull B. A structuralmodding approach to the understanding of parenting stress. *J Clin Child Psychol* ۲۰۰۲; ۲۹(۴): ۶۱۵-۲۵.
- ۳۱) Sanders, M.R. (۲۰۰۵). Triple P: A multi-level system of parenting intervention: workshop participant notes. The university of Queensland: Australia, Brisbane.
- ۳۲) SarabiJamab, M., Hassan Abadi, H., Mashhadi, A., & Asgharinekah, M. (۲۰۱۱). The effectiveness of parent training on selfefficacy of mothers of children with autism. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, ۱۳(۱), ۸۴-۹۳. (Persian).
- ۳۳) Sayad shirazi M. The relationship between parents' educational styles and youths' formation of religious identity type. Unpublished master's Thesis in counseling. Allameh University; ۲۰۰۴. [In Persian]
- ۳۴) Scheafer E SA. Circumflex model for maternal behavior. *Journal of abnormal and social psychology* ۲۰۰۳; ۵۹(۲): ۲۲۶-۲۳۵.
- ۳۵) Seyed-Fatemi N, Rahmani F, Baradaran M, Sedaghat K. Relationship between parenting style and autonomy among adolescents studying in tabriz high schools. *Iran J Nursing* ۲۰۱۰; ۲۲(۶۲): ۷۵-۸۴. [Persian].
- ۳۶) Spijkers W, Jansen DE, de Meer G, Reijneveld SA (۲۰۰۸). Effectiveness of a parenting programme in a public health setting: a randomised controlled trial of the positive parenting programme (Triple P) level ۳ versus care as usual provided by the preventive child healthcare (PCH). *BMC Public Health*; ۱۰:۱۳۱.
- ۳۷) Tellegen, C.L., & Sanders, M. (۲۰۱۳). Stepping stones Triple p-positive parenting program for children with disability: n systematic Review and Meta- analysis. *Research in developmental Disabilities*, ۱۵۵۶-۱۵۷۱.
- ۳۸) Tracy, L.J. Ronald, J.P. (۲۰۰۵). Potential roles of parental self-efficacy in parent and child adjustment: A review. *Clinical psychology Review*, ۲۵, ۳۴۱-۳۶۳.
- ۳۹) Weaver, C.M., Shaw, D. S., Dishion, T.J., & Melvin, N. (۲۰۰۸). Parenting self-efficacy and problem behavior in children at high risk for early conduct

problems: The mediating role of maternal depression. *Infant Behavior and Development*, ۳۱, ۵۹۴-۶۰۵.

۴۰) Wong Y, Lai A, Martinson I, Wong T. Effects of an education programme on family

participation in the rehabilitation of children with developmental disability. *J Intell Disabil* ۲۰۰۶; ۱۰(۲): ۱۶۵-۸۹.

۴۱) Zhong J, Wang C, Li J, Liu J. Penn state worry questionnaire: structure and psychometric properties of the Chinese version. *J Zhejiang Univ Sci B* (۲۰۰۹); ۱۰(۳): ۲۱۱-۱۸.

